

خویش کاری عشق و جنگ در دوبیتی‌های فایز دشتی بر پایه‌ی نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی

احسان زیارتی^۱، دکتر فرامرز خجسته^۲، دکتر جواد دهقانیان^۳، دکتر محمدامین صراحی^۴

چکیده:

یکی از وجوه قابل توجه شعرغنایی عاشقانه مفهوم جنگ و تعبیرهای وابسته به آن است. رویکردی از ناز و جلوه‌گری معشوق در مقابل خواست عاشق که از طریق اشکال و عناصر مربوط به حوزه‌ی جنگ تشریح می‌شود. هدف این پژوهش بررسی خویشکاری حوزه‌های مفهومی عشق و جنگ در دوبیتی‌های فایز دشتی است. این پژوهش به روش تحلیل و توصیف کیفی و کمی بر اساس بنیان‌های نظری استعاره‌ی مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) دوبیتی‌های فایز دشتی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. یافته‌های این مطالعه که به صورت کتابخانه‌ای فراهم آمده است. نشان می‌دهد تعداد ۱۳۱ دوبیتی از مجموع ۴۹۴ دوبیتی فایز دشتی (۱۳۶۷) کمینه یکی از ملزومات حوزه‌ی جنگ را در خود دارد. این فراوانی که از بسط ۷۹ مورد روشن از مناسبات جنگ حاصل می‌شود، در حمایت زیرنگاشت‌های میان‌حوزه‌ای و پی‌آمدهای استعاری مربوط به حوزه‌ی جنگ و همچنین تفصیل‌هایی که گاهی از شرایط اقلیمی- فرهنگی برخاسته است، درون‌مایه‌ی بخش قابل توجه‌ای از دوبیتی‌های فایز دشتی را در ذیل استعاره‌ی مفهومی «عشق جنگ است» قرار می‌دهد. نتیجه‌ای که از این دریافت حاصل می‌شود روشن می‌کند که فهم استعاری این ترانه‌ها در ذیل نام نگاشت «عشق جنگ است» مستلزم نوعی خوانش است که به صورتی پیوسته حوزه‌های دروندادی و پی‌آمدهای استعاری مربوط به استعاره‌ی مرکزی را نیز فراخواند.

کلیدواژه: استعاره‌ی مفهومی. جنگ. دوبیتی، دشتی. عشق. فایز

۱. مقدمه:

در میان اشعار عامیانه‌ی فارسی، دوبیتی‌ها اهمیت و جایگاهی ویژه دارند. قالب دوبیتی رایج‌ترین قالب شعری در نزد روستاییان با ذوق و خوش‌لهجه است. نوربخش و همکاران (۱۴۰۲: ۲۲۳) دوبیتی را صورت تحول یافته‌ی ترانه‌های دوازده هجایی قدیم ایران می‌دانند. ذوالفقاری (۱۳۹۴: ۶۳) دوبیتی را ادامه شعر سنتی پیش از اسلام می‌داند و معتقد است که دوبیتی در کنار مثنوی یکی از دو قالب اصلی شعر عامه است. بر

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان. Ziarati23@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان (نویسنده‌ی مسئول) Faramarz.khojasteh@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز. Mirjavad2003@yahoo.com

^۴ دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه گیلان. aminsorahi@hotmail.com

اساس مطالعه‌ی ذوالفقاری (همان: ۸۶) در عامه‌سروده‌ها، در میان ۳۰۲ گونه شعر عامه در سراسر ایران ۳۳٪ درصد در قالب دوبیتی سروده شده است. این ترانه‌های زنده و پر احساس که با زبان و مضمونی ساده جلوه‌هایی از تاریخ و حیات مردمی ساده‌زیست را به تصویر می‌کشند. «در اعماق ذوق مردم عادی کوچه و بازار تولد یافته، زندگی کرده و حفظ شده است» (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۵). سرزمین جنوب از دیر باز شاعران بزرگی را در خود پرورانده است. شاعرانی که حکایت ساده‌ی زندگی خویش را با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش در قالب ترانه‌هایی دلنشین به خاطرهای جمعی مردمی با ذوق سپرده‌اند تا با نوای دمساز شروه و زمزمه‌های پیوسته، زبان حال و احساس همدلی خویش را تکرار کنند. محمدعلی فایز دشتی از چهره‌های درخشان ادب مردمی و برجسته‌ترین دوبیتی‌سرای نواحی جنوب ایران در عهد قاجار است. «در جنوب وقتی نام شروه به میان می‌آید، بی‌درنگ نام فایز هم همراه و هم‌نشین آن تداعی می‌شود [به گونه‌ای که] به شروه، فایزخوانی هم گفته می‌شود» (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۰). «این ترانه‌ها در واقع ساخته‌ی دل مردمان ساده‌اندیشی است که شوری در سر دارند و شعرشان ترنم سرکش رنجواره‌ها و شادمانه‌های روزگاران آن‌ها است» (حسینی کازرونی، ۱۳۷۵: ۵۱). «دوبیتی‌های فایز سروده‌ی مردم است و غم و شادی او غم و شادی هزاران مرد و زنی است که در ترانه‌های فایز می‌نالند، فریادهای مردم است که از گلوی فایز به عرش می‌رسد» (گرگین‌پور، ۱۳۹۵: ۱۴). فایز در این ترانه‌ها «من» فراگیر در شعر غنایی است. به تعبیر هاو (Howe) «منی که متعلق به هیچ کس نیست و به همه کس تعلق دارد» (بروستر، ۱۳۹۵: ۵۳). لطافت و حالت تجسمی و القایی اشعار فایز وقتی با تصویرهای جاندار او در هم می‌آمیزد، شعری نیرومند و پذیرفتنی به بار می‌آورد» (بابا چاهی، نقل گرگین‌پور، ۱۳۷۶: ۱۵). ترانه‌های پرسوز این شاعر فولکلورلیک که در محافل با نوای شروه زمزمه می‌شده است، ترجمان حال مردمی است که دردهای خود را پیوسته در این ترانه‌ها یافته‌اند. در کنار روایت‌هایی از غم و رنج و دردمندی مردم جنوب که در این ترانه‌های ساده و بی‌پیرایه از تشریفات تصنعی ادبی و خیالی تجلی یافته است، حضور موجودی افسانه‌ای به نام پری قابل توجه است. فراوانی حضور این معشوق ستیزه‌جوی و رفتارهای ناسازگار او در ترانه‌های فایز به گونه‌ای است که باور عوام را پیرامون حضور این موجود غیر انسانی در زندگی و شعر فایز تقویت می‌کند. این باور به ظاهر عامیانه عمده‌ی درون مایه‌ی ترانه‌های فایز را دارای ماهیت خطابی به این موجود افسانه‌ای می‌داند و از همین رهگذر تفسیر می‌کند. بر این اساس تنه‌ی اصلی دوبیتی‌های فایز دشتی سوزوگدازهای عاشقانه‌ی شاعر است که در عشق به این موجود افسانه‌ای و عدم سازگاری او تجلی یافته است. این پرهیز و ناسازگاری معشوق در برابر خواست عاشق در موارد قابل توجه‌ای با مؤلفه‌هایی از حوزه‌ی جنگ درآمیخته است و مفهوم عشق را با مناسبات جنگ متناظر ساخته است.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش:

این پژوهش بر آن است تا به شیوه‌ی تحلیل و توصیف محتوا، خویشکاری مفهوم عشق را با جنگ و اشکال مربوط به آن در ذیل استعاره‌ی مفهومی «عشق جنگ است» در دوبیتی‌های فایز دشتی نشان دهد. بر این اساس چارچوب این مطالعه را پرسش‌های زیر شکل می‌دهد:

(۱) جنگ و مؤلفه‌های مربوط به آن چگونه عشق و مفاهیم وابسته را در دوبیتی‌های فایز دشتی مفهوم‌سازی می‌کند؟

(۲) شرایط اقلیمی و فرهنگی چه تأثیری در تصویرپردازی‌های مربوط به جنگ و لوازم آن برای مفهوم‌سازی عشق در دوبیتی‌های فایز دشتی داشته است؟

۳. پیشینه‌ی مطالعات:

عمده‌ی پژوهش‌های صورت‌گرفته در باب دوبیتی‌های فایز دشتی به گردآوری اشعار و تألیف مجموعه‌ای از ترانه‌ها محدود شده است. این پژوهش‌ها غالباً در مقدمه به شرحی مختصر از زندگی و شرایط اجتماعی روزگار شاعر و گاهی درونمایه‌ی کلی و یا کاربرد صنایع شعری بسنده نموده‌اند. از مهم‌ترین این مجموعه اشعار، ترانه‌های فایز دشتی (۱۳۶۷) است که توسط زنگویی با مقدمه‌ای طولانی فراهم آمده است. این مجموعه جامع‌ترین اثری است که به دوبیتی‌های فایز دشتی، زندگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی روزگار شاعر و همچنین درون‌مایه‌های شعری او پرداخته است. تعداد پژوهش‌هایی که دوبیتی‌های فایز دشتی را از منظر موضوع و مقوله‌ای مستقل بررسی می‌نماید، محدود است: گرگین‌پور (۱۳۷۶) درونمایه‌ی کلی دوبیتی‌های فایز و جایگاه این دوبیتی‌ها و آیین شروه‌خوانی در مناطق جنوب را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به باور گرگین‌پور (۱۳۷۶: ۱۶-۱۷) «از شعر فایز دشتی انتظار درک کاملاً روشن از جامعه داشتن چندان به جا نمی‌نماید». شعر فایز زبان حال روستاییان ستم‌دیده‌ی سرزمین جنوب است. ابراهیم تبار (۱۳۹۱) دوبیتی‌های فایز دشتی را از منظر سبک بیان و مضامین و درون‌مایه و همچنین مردمی بودن آن با ترانه‌های امیر پازواری (ترانه‌سرای مازندرانی) مقایسه می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که سروده‌های فایز و امیر پازواری از جهات سبک و نوع بیان و مضامین و درون‌مایه از جمله بیان درد و رنج‌های مردم و گله از معشوق دارای وجوه اشتراک است. مظفری (۱۳۹۳) به بررسی اشعار فایز دشتی از منظر باورهای دینی پرداخته است. این پژوهش تأکید بر وجهی از شعر فایز دارد که نشان‌دهنده‌ی غلبه‌ی نگاه دینی و معنوی